

دکتر حمیدرضا فرتوک زاده:

واگرایه ژئواکونومیک؛ مسئله بزرگ منطقه است

سخنرانی



دکتر حمیدرضا فرتوک زاده، مشاور وزیر کشور، در اولین اجلاس بین‌المللی تغییر نظم بین‌الملل و ایجاد محور همکاری‌های اقتصادی برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا بیان کرد که منطقه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، به دلایل گوناگونی در سده‌های اخیر، با منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای گره خورده است؛ بنابراین منطقه‌ای خنثی نیست. منطقه‌ای است که نسبت به آن، علایق و منافع وجود دارد؛ از این رو لازم است که با یک نگاه پدیدارشناسانه، ژئواکونومیک منطقه را توصیف کنیم تا وابستگی به مسیرها و پیچیدگی‌هایی که در این منطقه وجود دارند را بهتر درک کنیم و بدانیم در گذر زمان چه فرصت‌ها و تهدیدهایی در پیش داریم؟

اقتصاد و آگرایی منطقه

منطقه با اقتصادهای واگرا، یک و آگرایی ژئوکانونومیک و path dependence ایجاد کرده است. به این مفهوم که ما نمی توانیم میان این اقتصادهای واگرا، زمینه های همگرایی پیدا کنیم؛ چرا که مسیرهای تجاری این کشورها چه از لحاظ آرایش صنعتی، خدماتی، تولیدی و کشاورزی و چه از لحاظ نرم افزارهای تجاری و مالی، یک جانبه اتفاق افتاده است؛ بنابراین امروزه هم می بینیم که روسیه وقتی می خواهد با ایران همکاری کند، هیچ گونه لجبستگی میان این دو کشور نداریم.

کریدورهای ما برای تجارت های درون منطقه ای نیز هنوز آماده نیستند و استحکام و همواری لازم را ندارند. بنادر، جاده ها و راه آهن های ما و دیگر کشورهای منطقه، آمادگی ندارند. این یک توصیف بی طرفانه از منطقه ما است؛ یعنی هر شخصی که از بیرون، وضعیت منطقه را مشاهده کند، متوجه خواهد شد که این منطقه برای رسیدن به همکاری و تجارت درون منطقه ای، راه دشواری در پیش خواهد داشت و به راحتی طی نخواهد شد.

نظم اقتصادی حاکم آنگلو ساکسونی

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر این مشکلاتی که بیان شد، دچار پدیده دیگری به نام تحریم است. تحریم ها در واقع مزید بر علت هستند و ما حتی اگر تحریم هم نبودیم، همکاری های منطقه ای، به این راحتی اتفاق نمی افتاد. این رابطه همسایگی حتی در موضوعاتی که مزیت های نسبی ریکاردویی میان ما وجود دارد؛ مثل این مسئله که ما نهادهای غذایی مان را OVER SEA حدود ۱۰-۱۵ هزار

منطقه غرب آسیا، سال ها است که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچر، محل کشمکش دو قدرت بزرگ شده است؛ بر این اساس در سده های اخیر و به ویژه در دوران بازی بزرگ که امپراتوری بریتانیای کبیر با روسیه در منطقه در حال تعامل یا درگیری و کشمکش بودند، همواره سرزمین ما میان این قدرت ها بوده است و این دو قدرت، نگرانی های خاص خود را در منطقه داشته اند. حاصل این کشمکش ها تا اواخر قرن نوزدهم، تغییری که در مسیر تجارت جهانی با حفر کانال سوئز رخ داد، تجارت دریا پایه و نقطه عطف آن در قرارداد سایکس - پیکو در ۱۹۱۶ اتفاق افتاد. این منطقه به مجموعه متکثری از کشورهای واگرا تبدیل شد؛ یعنی مسئله بزرگ منطقه ما، و آگرایی ژئوکانونومیک است. اقتصادها، اقتصادهای واگرای هستند. در گزارشی بیان شده بود که بیشترین تجارت درون منطقه ای ما بین ۵٪ تا ۱۰٪ است؛ یعنی هر کشوری در این منطقه، مواد خامش را به ماورای بحار صادر کرده است و نیازهایش را نیز از ماورای بحار وارد می کند. نه تنها در کشور ایران بلکه میان ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، ارمنستان، عراق، سوریه، امارات، قطر و... نیز تجارت منطقه خاصی وجود ندارد. ریشه این مسئله تاریخی و ژئوپلیتیکی، به دوران کمپانی هند شرقی و بریتانیای کبیر و بعد از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی و ایجاد کشورهای کوچکی که در این منطقه، به نوعی به اقتصاد غرب وصل شدند، برمی گردد.

بیشتر می‌شود. این همان هژمونی نظم اقتصادی آنگلو ساکسونی است که بر ما حاکم شده است. از طرفی برون‌رفت از این موضوع بسیار دشوار است. برای علاقه‌مندان به این حوزه توصیه می‌کنیم اگر می‌خواهند نگاه تاریخی به این مسئله داشته باشند، حتماً کتاب «دیوید فرامکین» به نام «صلحی که همه صلح‌ها را پایان داد» را مطالعه کنند. این نویسنده به خوبی به تحولات جنگ جهانی اول و چگونگی شکل‌گیری و تکوین کشورهای این منطقه اشاره کرده است و چون اصلیتی انگلیسی دارد، نیت‌های استراتژیک بریتانیا در منطقه را به خوبی توضیح می‌دهد که چگونه بریتانیا، این منطقه، مرزها و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که پیش تر به آنها شیخ‌نشین‌های خلیج فارس می‌گفتند را به وسیله سربازانی از جمله خانم گرتروود بل و یا آقای ادوارد لورنس، کنار یکدیگر چیده است و تا جنگ جهانی دوم استمرار پیدا کرده است؛ بنابراین ما به صلح و امنیت پایدار در منطقه به عنوان مسئله اصلی، اهمیت می‌دهیم.

صلح و امنیت پایدار، وابسته به همکاری اقتصادی و تجاری در منطقه است؛ به همین دلیل ابتکاری را با عنوان ایلاف، برگرفته از سنتی که در صدر اسلام و در قبل از اسلام وجود داشته است و برگرفته از دوران هاشم، جد پیامبر اسلام در مکه بوده است را مطرح کرده‌ایم.

همان‌طور که می‌دانید، مکه در حاشیه دریای سرخ است و از جنوب به یمن و از شمال به منطقه شام و مدیترانه می‌رسد. سنت ایلاف

کیلومتر آن طرف‌تر وارد می‌کنیم؛ در حالی که همسایگان ما تولیدکنندگان مواد غذایی هستند. ما در استان کرمانشاه در همسایگی عراق، کارخانه کود شیمیایی داریم؛ یعنی به اندازه تهران تا کرج، میان تولید کود شیمیایی ایران و بازار مصرف آن در زمین‌های کشاورزی عراق فاصله داریم اما فرض بفرمایید که عراق، کود شیمیایی خود را از کشور دیگری تأمین می‌کند و ما کود شیمیایی خود را به برزیل صادر می‌کنیم. کود شیمیایی تولید شده را به وسیله کامیون‌هایی به بنادر جنوبی انتقال می‌دهیم و سپس با کشتی‌هایی به بنادر برزیل می‌بریم و سپس از بنادر برزیل نیز به مزارع برزیل می‌روند. ما اسم این وضعیت را نظم اقتصادی آنگلو ساکسونی می‌نامیم؛ یعنی فرمت کردن مسیرهای تجاری بر مبنای علائق تاریخی که وجود داشته است و ما باید برخلاف عادت بتوانیم یک نظم اقتصادی منطقه‌ای شکل دهیم. باید بتوانیم با کشورهای همسایه خودمان از جمله پاکستان، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان، کشورهای آسیای مرکزی و... تجارت داشته باشیم و تولیدات منطقه را میان خودمان مبادله کنیم.

آن اصطلاح مهم اقتصاددانان به نام transaction cost یعنی هزینه مبادله، میان دو همسایه دیواربه‌دیوار بیشتر از هزینه مبادله میان دو قاره با فاصله ۱۲-۱۵ هزار کیلومتر سفر دریایی است؛ یعنی گاهی هزینه ما برای تجارت از داخل ایران به داخل عراق، از هزینه مبادلاتی ما به برزیل

بوده است؛ بنابراین برای مثال وقتی می‌خواهیم با عراق، آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، ارمنستان یا اوراسیا کار کنیم، دیوان‌سالاری مشکل دارد. جاده‌ها، بنادر، انبارها و خط‌آهن‌های ما بر اساس نظم آنگلو ساکسونی چیده شده‌اند. ما برای رفتن به بندرعباس مشکلی نداریم ولی برای رفتن به مرز نوردوز یا رساندن بار از مرکز کشور به این مرز یا مرز اینچه برون مشکل داریم یا اگر بخواهیم از مرز نوردوز به ارمنستان یا گرجستان و سپس به دریای سیاه و روسیه برویم، مشکلات زیادی وجود دارند.

برای برداشتن هر قدمی در تجارت منطقه باید تاریخ بسیار زیادی را ورق بزنیم تا متوجه شویم که مشکل از کجا است البته تحریم‌ها نیز به‌عنوان یک عمل ناجوانمردانه برخلاف منافع مردم ایران، در ایجاد مشکلات، نقش زیادی دارند ولی اگر تحریمی نیز وجود نداشت، ما باز هم این چالش‌های منطقه‌ای را داشتیم.

رساندن بار از کشور به مرزهای ترکمنستان یا ارمنستان به راحتی اتفاق نمی‌افتد یا اگر بخواهیم از مسیر دریای مازندران به بندر آکتائو یا بندر آستاراخان بار بفرستیم، متوجه می‌شویم که این مسیر هم آمادگی ندارد؛ بنابراین هرچه تلاش می‌شود که ساختار اقتصادمان را تغییر دهند، دوباره به همان نظم آنگلو ساکسونی می‌رسیم. تمامی لجستیک، تراکنش‌های مالی و اعتباری، جاده‌ها و بنادر ما بر اساس این نظم هستند. در داخل کشورمان نیز آن چیزی که وزارت کشور

که در قرآن نیز در آیه (إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَ الصَّيْفِ) مطرح شده است، به این صورت بوده است که در تابستان، کاروان‌ها به سمت شمال مدیترانه می‌رفتند و تجارت داشتند و یا اینکه کاروان‌های مدیترانه‌ای، به مکه به عنوان هاب تجارت منطقه‌ای وارد می‌شدند و در زمستان‌ها به سمت جنوب و یمن می‌رفتند؛ بنابراین از زمان هاشم، این سنت ایلاف، همان طور هم که در قرآن مطرح شده است هم عامل رونق تجاری منطقه بوده است و هم امنیت جزیره العرب را ایجاد می‌کرده است.

سنت ایلافی را هم که ما می‌خواهیم دنبال کنیم، به نوعی بازیابی مزیت‌های ژئواکونومیک منطقه خودمان است. منطقه‌ای که هزاران سال، چهارراه تجاری راه ابریشم بود و در دوره‌های اخیر، با آمدن کمپانی هند شرقی به منطقه و شکل‌گیری بازی بزرگ و با حفر کانال سوئز و همچنین جنگ‌های ایران و روس، آسیب دیده است و با جنگ جهانی اول یا دوم، این آسیب‌ها بیشتر شده‌اند.

نگاه دوم، نگاه به درون است؛ یعنی ما یک واگرایی منطقه‌ای و یک واگرایی درونی داریم. این مسئله، حکمرانی ما است که وزارت کشور با این مسئله به شدت درگیر است. ما برای توسعه تجارت منطقه‌ای، به همان دلیل که نظم آنگلو ساکسونی بر حکمرانی ما نیز حاکم بوده است و ساختار حکمرانی ما نیز از سال‌های ۱۳۳۰ به بعد در همان مسیر یعنی صادرات مواد خام به ماورای بحار و واردات کالاهای مصرفی

تجارت منطقه‌ای است؛ با توجه به مناطق تجاری که ما در پیرامون کشور داریم که هم برای ما فرصت‌اند و هم کار را بسیار دشوار می‌کند؛ چراکه ما یکی از پرهمسایه‌ترین مناطق دنیا هستیم.

از منطقه قفقاز جنوبی با ترکیه، ارمنستان، جمهوری آذربایجان همسایگی داریم. خود دریای مازندران به‌عنوان دریایی است که پنج همسایه مهم با علائق و منافع خاص خودش را دارد. دیپلماسی اقتصادی دریای مازندران، دیپلماسی خاصی است که متأسفانه گاهی دوستان ما این مسئله را ساده می‌انگارند و باید عمیق‌تر به دیپلماسی دریای مازندران توجه کنیم. آسیای مرکزی یعنی ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان و تاجیکستان نیز مناطق دیگری هستند که باید برای تجارت از طریق استانداری‌های شمال شرقی مان، اهرم‌های تجارت منطقه‌ای را پیدا کنیم. منطقه شبه‌قاره، افغانستان، پاکستان که منطقه بسیار مهمی هستند و ما فرصت‌های همکاری بسیار زیادی در این مناطق داریم که در حال حاضر، اقدام خاصی در این راستا صورت نگرفته است.

از طرف جنوب نیز دنیایی از فرصت نهفته است؛ از عمان گرفته تا حاشیه اروند و همان‌طور شاخ آفریقا، این‌ها همه مناطقی هستند که در ایلاف می‌توانند با اهرم‌های تجارت همسایگی، نقش‌آفرینی کنند و خود عراق و سوریه مناطق مهمی هستند که با همت سردار شهید ایران، حاج قاسم سلیمانی، مسیر ژئواکونومیک مدیترانه باز شد و این کشورها می‌بایست با یکدیگر همکاری کنند البته همه این مناطق با علائق برون منطقه‌ای معارض با نیت‌های جمهوری اسلامی روبه‌رو هستند.

با آن روبه‌رو است، نوعی پیچیدگی مرکب است؛ اینکه چگونه دیوان‌سالاری ما و آن توزیع اختیارات و مسئولیت‌ها در کشور، به‌گونه‌ای است که ما را در ریل نظم آنگلساکسونی قرار می‌دهد.

در اینجا یکی از دستور کارهای دولت سیزدهم که البته به‌کندی نیز پیش می‌رود، این است که ما یک حکمرانی با محوریت استنادارها ایجاد کنیم؛ به این صورت که استناداران استان‌های ویژه مرزی کشور، نسبت به تجارت منطقه‌ای، مسئولیت و اختیارات لازم را پیدا کنند؛ چراکه هم اکنون فعالیت‌مان در مرزها صرفاً در حد بازارچه‌های مرزی است. این بازارچه‌ها نیز صرفاً به‌عنوان حاشیه‌نشین نظم آنگلساکسونی و در حد کارهای پیله‌وری و محلی و حالتی پیشرفته‌تر از کولبری فعالیت می‌کنند؛ بنابراین این‌ها باید تقویت شوند اما وزارت کشور در پی این ابتکار که در خود دولت نیز مطرح است، کار را دنبال می‌کند که استناداران ما چگونه زنجیره‌های ارزش کشور را به منطقه وصل کنند؛ یعنی ما حالا در بازارچه‌های مرزی مان به‌صورت پیله‌وری، هنگامی که یک فعال اقتصادی، محصولی را تولید می‌کند، از مرزها به کشور همسایه منتقل می‌کند؛ این اقدام خوب است اما هرگز نمی‌تواند تجارت ۵٪ یا ۱۰٪ ما را به ۸۰٪ برساند.

ما باید تجارت‌های بزرگمان را از ماورای بحار به سمت منطقه برگردانیم و این کار، به نقش‌آفرینی استناداران نیازمند است. آن‌ها می‌توانند نیروهای محلی را بسیج کنند و این فعالیت‌ها را سرعت ببخشند؛ بنابراین ایده ایلاف، به‌عنوان ایده

بی شماری را خواهیم دید اما گلوگاه‌های داخلی خودمان نیز کم نیستند البته سنگ‌اندازی‌های آن نظم آنگلو ساکسونی حاکم بر این منطقه نیز در رگ و پی ما نهادینه شده است و گر نه ما امروزه در ارمنستان می‌توانیم در حوزه امنیت غذایی، کشت فراسرزیمینی، مسئله گوشت و دام و در مسئله معادن همکاری داشته باشیم.

کشور ما یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فولاد در دنیا است و این صنعت فولاد کشور بر مبنای سنگ معدن داخلی طراحی شده است که شاید طی ۱۵ سال آینده، این سنگ آهن داخلی به اتمام رسد. توزیع صنعت فولاد در کشور نیز به‌گونه‌ای است که ما نمی‌توانیم از ماورای بحار، سنگ آهن وارد کنیم؛ بنابراین می‌بایست به سمت معادن منطقه‌ای همچون معادن افغانستان، پاکستان و قزاقستان برویم؛ بنابراین ما در بحث معادن فرصت‌های همکاری خیلی خوبی داریم اما مشکل اینجا است که مسیر همکاری‌ها هموار نشده است. پروتکل‌هایی که باید نوشته می‌شده نوشته نشده است. از آنجاکه با کشورهای منطقه، مشکل خیلی خاصی نداریم اما مسیرهای همکاری، به‌کندی پیش می‌روند.

ما به همین منطقه اوراسیا یعنی قزاقستان و آسیای مرکزی یا ارمنستان با توجه به پیشرفتی که در صنعت تجهیزات و صنایع دانش‌بنیادمان داریم، می‌توانیم به این کشورها، صادرات صنعتی و خدمات فنی مهندسی داشته باشیم و از اینجا مواد غذایی وارد کنیم. این ساده‌ترین تجارتی است که درون منطقه می‌تواند رقم بخورد.

همان چالشی که عرض شد هم در بیرون، با آگرایی و پیچیدگی روبه‌رو هستیم و در داخل نیز با این پیچیدگی روبه‌رو هستیم. این مطالب مطرح شد که نگاه واقع‌بینانه‌ای به این تغییر نظم بین‌الملل و ایجاد همکاری‌های اقتصادی برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکایی‌ها داشته باشیم و با نگاه ساده‌انگارانه به آن نپردازیم و تصور نکنیم که به صرف جابه‌جایی قدرت سیاسی، این همکاری اقتصادی به راحتی اتفاق خواهد افتاد. این همکاری هم در منطقه و هم در داخل، با چالش‌هایی روبه‌رو است و ابتکار ایلاف، در صدد این است که مسئولیتی برای همه استان‌های مرزی، در جهت گذار از آنچه امروز با عنوان بازارچه‌های مرزی وجود دارد، به تجارت منطقه‌ای و همسایگی با ارتقای قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایشان ایجاد کند.

پاسخ وی به پرسش دکتر مصطفی خوش چشم مبنی بر فرصت‌های ما و کشورهای منطقه و کشورهای همسایه در جغرافیای شرق قرار می‌گیرند، برای بسط همکاری‌ها چیست؟ شما بیشتر در رابطه با نکات راهبردی، ریشه‌ای و تاریخی مشکلات، مطالبی را مطرح کردید که بسیار صحیح هستند اما اگر قدری درباره فرصت‌هایی که خودمان داریم و در حال حاضر نیز می‌توانیم از آنها بهره‌بریم، صحبت کنید... چنین پاسخ داد: فرصت‌ها بی‌شمارند اما این فرصت‌ها بالقوه هستند. مسئله ما چگونگی فعلیت بخشیدن به فرصت‌ها است. در همه کشورهای همسایه، ده‌ها اهرم تجارت مشترک داریم. ما از پنجره اوراسیا از مرز زمینی با ارمنستان اگر به سمت دریای سیاه یا به سمت روسیه نظری داشته باشیم، فرصت‌های



توجه کردید که چرا نظم انگلوساکسونی، ما را در این گرداب پیچیدگی مرکب خودمان حفظ کرده است؛ برای اینکه ما به محض اینکه دانه روغنی می‌خواهیم، به سرعت آن را از آن طرف دنیا از آمریکای جنوبی که فکر می‌کنیم ارزان است، وارد می‌کنیم؛ چراکه لجستیک زمینی ما در منطقه معیوب است؛ بنابراین فرصت‌ها در معادن، در نهادهای غذایی و در سوآپ‌های متنوع نفتی، گازی و برق وجود دارند ولی برخی از آنها موانع ژئوپلیتیک دارند و بخشی از آن موانع، ساختاری دارد که با هر کشور همسایه‌ای، پرونده خاصی داریم و باید ببینیم که با وجود اینکه این همه فرصت همکاری در پاکستان و ارمنستان و... داریم، چرا با یکدیگر کار نمی‌کنیم؟

همان‌طور که مطرح شد، به اهرم‌هایی برای تجارت منطقه‌ای نیاز داریم. یکی از این اهرم‌ها، واردات مواد غذایی است. ما به محض اینکه متوجه شویم به مواد غذایی یا کالای خاصی نیاز داریم، فوری به یک واردکننده می‌گوییم از آن طرف دنیا وارد کند اما مسیر لجستیکی و تجاری میان خود و آسیای مرکزی یا قفقاز را هموار نمی‌کنیم؛ در حالی که به راحتی می‌شود از ارمنستان، قزاقستان و آسیای مرکزی، مواد غذایی وارد کنیم. اگر از این مناطق پرآب، مواد غذایی از جمله غلات، دانه‌های روغنی و... را وارد سازیم، می‌توانیم تجهیزات صنعتی مان را به آن مناطق وارد کنیم.

ما که نمی‌توانیم به برزیل، آرژانتین یا نیوزیلند تجهیزات صنعتی صادر کنیم ولی اگر نهادهای دامی را از ارمنستان یا قزاقستان وارد سازیم، می‌توانیم ما به‌ازای آن، صنعتان را وصل کنیم.